



A Critical Analysis of the Article on the Personality of the Holy Prophet (P) in the Leiden Quran Encyclopedia *



Abbas Elahi ^۱

Abstract

The personality and life of the last prophet (P) as the last prophet of God who became the source of great changes in the world, has always been the focus of orientalists, but Mr. Uri Rubin's picture of the character of the Holy Prophet (P) in Leiden Quranic Encyclopaedia in part of the article on Mohammad (P) in many cases is significantly different from the picture presented by Muslim historians. Therefore, this article has discussed Uri Rubin's views using the descriptive-analytical method with a critical approach. The findings of the research indicate that the reason for Uri Rubin's lack of success in presenting the correct image, in addition to his religious, political and scientific insight, is due to his method of studying the issues of Islamic history. It seems that the author of the article "Mohammad" in the encyclopedia was not very successful due to not having a suitable method for analyzing the events and currents of the era of the beloved Prophet. In this article, the most important weaknesses of the above article, such as incorrect assumptions about Islam and the personality of the Prophet of Islam (P), not referring to Shia sources, excessive trust in the writings of Orientalists, relying on the theory of Sunni scholars and not referring to Shia sources are examined and analyzed.

Keywords: The Holy Quran, the Personality of the Holy Prophet (P), Orientalists, Uri Rubin, Leiden Quran Encyclopedia.

*. **Date of receiving:** October ۳۱, ۲۰۲۱; **Date of correction:** April ۲۵, ۲۰۲۲; **Date of approval:** June ۸, ۲۰۲۲.

^۱. Faculty Member, Department of Quran Interpretation and Sciences, Higher Complex of Quran and Hadith, Al-Mustafa International University, Qom; (abbas_elahi^۱@yahoo.com)



تحلیل انتقادی بر مقاله شخصیت پیامبر اکرم α در دائرةالمعارف قرآن لیدن*

عباس الهی^۱



چکیده

شخصیت و زندگی پیامبر خاتم α به عنوان آخرین پیامبر که منشأ تحولات سترگی در عالم شده، همواره مورد توجه خاورشناسان بوده است، ولی تصویری که آقای یوری روبین از شخصیت پیامبر اکرم α در دائرةالمعارف قرآنی لیدن در بخشی از مقاله محمد α ارائه کرده است در بسیار از موارد با تصویری که مؤرخان مسلمان ارائه داده اند، تفاوت چشمگیری دارد. از این رو، این مقاله با کاربست روش توصیفی — تحلیلی با رویکرد انتقادی دیدگاه های یوری روبین را به بحث گذاشته است. یافته های تحقیق نشان می دهد که علت بی توفیقی یوری روبین در ارائه تصویر درست، علاوه بر بینش دینی، سیاسی و علمی، به شیوه مطالعات او در مسائل تاریخ اسلام باز می گردد. به نظر می رسد نویسنده مقاله «محمد» در دائرةالمعارف، به دلیل نداشتن روشی مناسب در بررسی و تحلیل حوادث و جریان های عصر رسول گرامی چندان موفق نبوده است. در این نوشتار، مهم ترین ضعف های مقاله فوق مانند پیش فرض های نادرست از اسلام و شخصیت پیامبر اسلام α، مراجعه نکردن به منابع شیعه، اعتماد بیش از حد به تألیفات مستشرقان، اکتفا نمودن به نظریه علمای اهل سنت و عدم مراجعه به منابع شیعه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، شخصیت پیامبر اکرم α، مستشرقان، یوری روبین، دائرةالمعارف قرآن لیدن.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸.

۱. عضو هیئت علمی جامعة المصطفی العالمية، قم، ایران: (abbas_elahi@yahoo.com)



مقدمه

خاورشناسان نتایج پژوهش های خود در باره آموزه های اسلامی را در قالب مقاله، کتاب و دائرة المعارف به دنیای علم ارائه کرده اند. در پس نگارش آثار یاد شده شبهات و انتقاداتی درباره معارف قرآنی و اسلامی نهفته است که شناخت دقیق و بررسی و تحلیل آن ها را دوچندان می کند. در این میان پیامبر خاتم^۱ به عنوان آورنده آیین اسلام برای جهانیان، مورد توجه خاص و نقد مستشرقان و اسلام شناسان غربی قرار گرفته است؛ زیرا آنان مؤثرترین راه ضربه زدن به دین اسلام را مخدوش کردن چهره نورانی حضرت محمد^۲ می دانند (ر.ک: عبدالمحمدی، مستشرقان و پیامبر اعظم، ۱۳۹۲: ۲۷)؛ ازاین رو، در عصر حاضر نویسندگان و محققان غیرمسلمان در حوزه های مختلف اسلامی فعالیت های گسترده داشته و آثار علمی فراوانی را تدوین کرده اند که در غرب و نیز با کمال تأسف در جهان اسلام به عنوان مرجع اصیل اسلام شناسی هستند (ر.ک: زمانی، آشنایی با استشراق و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۹۴: ۳۷-۳۸).

با توجه به آنکه هدف و انگیزه بسیاری از مستشرقان در آثار و تألیفات علمی شناخت حقیقت اسلام و ترویج آن نیست؛ بلکه برای نفوذ در بین مسلمانان و مبارزه با دین اسلام به عنوان تنها دین حائز اندیشه اصلاح جهان است (همان: ۱۶۰)؛ بنابراین ضرورت اقتضا می کند که نویسندگان و محققان مسلمان، تألیفات مستشرقان و اسلام شناسان غربی را مطالعه کرده و با نمایش نقاط قوت و ضعف آن، جهت دفاع از دین اسلام و مقدسات آن همت کنند. یکی از مقالاتی که به معرفی شخصیت پیامبر^۳ پرداخته، مقاله «محمد» است که پرسش هایی را مطرح کرده است؛ از جمله آیا «محمد»، تنها نام آن حضرت در قرآن است؟ آیات برخی از القاب پیامبر اکرم، مانند «المُرَّمَل» و «المُدَّرَّ» بر عقب نشینی و بی میلی ایشان نسبت به رسالت و قیام دلالت نمی کند؟ مقصود از وحی و نبأ (اخبار غیبی) چیست؟ آیا هدف بعثت پیامبر اسلام محدود به به انداز کافران از عذاب روز رستاخیز است؟ آیا پیامبر نسبت به وحی و رسالت خویش شک داشته است؟ و... ازاین رو، این نوشتار با کاربرد روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد انتقادی سعی دارد بخشی از مقاله محمد^۴ (شخصیت پیامبر) اثر یوری روبین در دائرة المعارف قرآن لیدن را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

۱. شخصیت شناسی «یوری روبین»

یوری روبین (Uri-Rubin) یهودی مذهب، عضو هیأت تحریریه «دائرة المعارف قرآن» و استاد گروه مطالعات اسلامی و عربی دانشگاه تلاویو اسرائیل و از اعضای هیئت مشورتی دائرة المعارف قرآن و

دارای آثار علمی گوناگون در موضوع اندیشه اسلامی به خصوص درباره شخصیت شناسی پیامبر اکرم α است. به گونه ای که در دائرة المعارف قرآن لیدن شانزده مدخل توسط او به نگارش در آمده است. مقاله ایشان به نام «محمد» یکی از مقالات مهم و محوری دائرة المعارف قرآن لیدن است که از صفحه ۴۴۰ تا ۴۵۸ این دائرة المعارف آمده است؛ اما با توجه به طولانی بودن این مدخل، در مقاله حاضر از میان محورهای مربوط به شخصیت پیامبر اکرم α مهمترین آنها تحلیل، ارزیابی و نقد شده است.

بررسی و تحلیل

مقاله «محمد» عهده دار بررسی شخصیت پیامبر اکرم α در دوران رسالت است. این مسئله از دو جهت مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد:

الف. بررسی و تحلیل محتوایی

یک. خطا در فهم معنای لفظ و مقصود ابتدایی آیه قرآن

نویسنده مقاله، وجه تسمیه قرآن به «ذکر» را این گونه بیان کرده است: «به داستان های گذشتگان که پیامبر می خواند، ذکر نیز گفته شده است؛ ولی همین واژه، نام کل آیات وحی شده نیز است، احتمالاً به این دلیل که به شکل کاملاً متفاوتی به داستان های گذشتگان اشاره می کند.» (Rubin, Encyclopaedia of the Qur'an, ۲۰۰۱: ۳، ۴۴۳)

بررسی و تحلیل

بیشتر مفسران، «ذکر» را در شمار نام های اصلی قرآن آورده و نام گذاری آن بدین عنوان را به گونه های مختلف توجیه کرده اند؛ از جمله آنکه قرآن یادآور فرایض و احکام به بندگان است و یا اینکه ذکر به معنای شرف است و قرآن، ذکر و شرفی است برای کسانی که به آن ایمان آورده اند و معارفش را تصدیق کرده اند؛ همان گونه که خداوند نیز فرموده است: Π وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ... (زخرف/ ۴۴؛ ر.ک: طبری، تفسیر الطبری، ۱۴۱۲: ۶۴/۱، طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۹۵: ۴۱/۱، طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۱۹/۱).

به این ترتیب آنچه سبب این خلط در معنا شده، مشترک لفظی بودن و برداشت سطحی گونه از واژه «ذکر» که در آیات قرآن کریم آمده است، چه اینکه نویسنده مقاله برای مدعای خود این گونه شاهد می آورد: «در واقع فرمان «وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ»، بارها در آیاتی به کار می رود که از پیامبر می خواهد، حکایت پیامبران پیشین را نقل کند».



دو. مرتبط کردن کلمات «قرآن»، و «انباء الغیب»

نویسنده مقاله در مورد نبأ یا خبر غیبی این گونه نوشته است: نبأ، معمولاً به معنای داستان‌هایی درباره گذشتگان است که بیشتر ریشه در کتاب مقدس دارند؛ مثلاً آنها انباء الغیب (اخبار غیبی) نیز خوانده می‌شوند؛ زیرا پیامبر خودش آگاه از آن نداشت. مرحله آغازین وحی که مقدم بر خواندن عمومی آیات است، با فعل «اوحی» نشان داده می‌شود که بارها در قرآن به کار می‌رود تا انتقال آیات اله به پیامبر (ع) را توصیف کند. کتاب و نیز قرآن و اخبار غیبی از این طریق انتقال می‌یابد (Rubin, Encyclopaedia of the Qur'an, ۲۰۰۱: ۳، ۴۴۳).

بررسی و تحلیل

نخست اینکه اخبار غیبی در داستان‌های گذشتگان که ریشه در کتاب مقدس دارند، منحصر نمی‌شود. دوم، این اخبار، حکایت از دسته‌ای آیات قرآن کریم می‌کند و واژه «قرآن» از ریشه «قرأ» به مفهوم جمع و کنارهم بودن (ابن فارس، مجمع مقایس اللغة، ۱۴۲۰: ماده قرء)، بر قرائت حروف و واژگانی دلالت می‌کند که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و علت نامگذاری آن است که تمام آثار و فوائد کتاب‌های آسمانی در آن جمع شده است (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۳۷۴: ماده «قرأ»). واژه «کتاب» ریشه (ک ت ب) گرفته شده و به معنای منضم شده موضوعات آنچه به عنوان وحی فرستاده شده است. گرچه در آینده میان دو جلد قرار داده شده است (همان: ماده «کتب»). سوم، انباء الغیب (اخبار غیبی)، مصادیق دیگری نیز در قرآن دارد؛ مانند:

الف. اخبار از مکنونات قلبی دیگران: قرآن از حوادث و وقایعی که در زمان پیامبر (ع) در شرف واقع شدن بوده است، خبر داده است؛ مانند خبرهای غیبی قرآن از دسیسه‌های منافقان و دشمنان اسلام: Π أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ التَّجَوُّيْ ثُمَّ يُعَوِّدُونَ (مجادله/۸؛ توبه/۱۰۷-۱۱۰)؛ «آیا ندیدی کسانی را که از نجوا (سخنان درگوشی) نهی شدند، سپس به کاری که از آن نهی شده بودند باز می‌گردند».

ب. اخبار از آینده: قرآن از حوادثی که پس از نزول آیات در زمان آینده رخ می‌داد، به روشنی پرده‌برداری کرده که می‌توان به مواردی چون خبر پیروزی روم بر فارس اشاره کرد: Π غَلَبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ فِي بَضْعِ سِنِينَ... (روم/۲-۴)؛ «رومیان مغلوب شدند (و این شکست) در سرزمین نزدیکی رخ داد؛ اما آنان پس از (این) مغلوبیت، بزودی غلبه خواهند کرد».

سه. دیدگاه نویسنده مقاله درباره «انفال و غنائم جنگی»

نویسنده در یکی از فرازهای مقاله این گونه می‌نویسد: «در آیه نخست سوره انفال گفته می‌شود که غنائم (انفال) به خداوند و فرستاده‌اش تعلق دارد، ولی در آیه ۴۱ همین سوره تنها یک پنجم غنیمت‌ها به پیغمبر و نیازمندان تعلق دارد و بقیه میان شرکت‌کنندگان در جنگ تقسیم می‌شود» (Rubin, Encyclopaedia of the Qur'an, ۲۰۰۱: ۳، ۴۴۳).

بررسی و تحلیل

در این مقاله بین غنیمت‌هایی که در میدان جنگ گرفته شده و انفال هیچ فرقی گذاشته نشده است، در صورتی که آن‌ها دو موضوع کاملاً متفاوت از یکدیگرند؛ زیرا واژه «انفال» از ماده «نفل» هم وزن (نفع) به معنای زیادی است (فیومی، المصباح المنیر، ۱۳۲۵ ق: ۲/ ۱۳۰؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۶ ق: واژه «نفل»؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۳۷۴: ۵۲۴)؛ و در اصطلاح فقه به غنائم و موهبت‌های منقول و غیر منقول از جانب خداوند برای حاکم اسلامی گفته می‌شود. این اموال در جهت تقویت اسلام، مصالح مسلمانان و امت اسلامی مصرف می‌شود (مشکینی، اصطلاحات الفقه، ۱۴۱۹ ق: ۹۳).

از جمله مصادیق انفال، اموالی است که از چنگال دشمن بدون جنگ به دست مسلمانان افتاده است؛ پس بر اساس آیه نخست سوره انفال، تمامی دارایی‌هایی که فاقد مالک خصوصی است؛ مانند بیشه، جنگل، مال‌های بی‌وارث و ... متعلق به خدا، پیامبر α و جانشینان اوست که در راستای منافع عمومی مسلمان هزینه می‌شود (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر المیزان: ۱۰/ ۹؛ مکارم شیرازی، نمونه: ۸۲/ ۷)؛ اما غنیمت در لغت به معنای «فایده به دست آمده» است (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵ ش، ج ۶/ ۱۲۹)؛ از این رو، غنیمت هم شامل اموالی است که در جنگ به دست می‌آید و هم سودی را در بر می‌گیرد که راه‌های دیگر مانند تجارت حاصل می‌شود (مصطفوی، التحقیق، ۱۳۶۸: ۲۱۰۲/ ۱۲).

آیه مبارکه ۴۱ سوره انفال حکم خمس را بیان می‌کند که از مصادیق آن غنائمی است که از طریق جنگ به دست آمده و یک‌پنجم آن به خدا، پیامبر α و جانشینان او تعلق دارد. در این میان، چهارپنجم آن به رزمندگان جنگ اختصاص می‌یابد. از این رو، بین دو آیه هیچ‌گونه تضادی مشاهده نمی‌شود؛ زیرا رابطه بین انفال و غنیمت جنگی از نوع رابطه عام و خاص مطلق است و غنیمت‌های جنگی نیز به خدا و پیامبر خاتم α تعلق دارد که به حکم آن‌ها چهارپنجم به رزمندگان پرداخت می‌شود. (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱۰/ ۹؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۳۷۴/ ۷)، محققان «غنیمت»، ۱۳۹۶: ۹۵۳

ب. بررسی و تحلیل تفسیری

یوری روبین در مقاله خود با ارائه تفاسیر نادرست از آیات قرآن به خطا رفته و در بخش‌هایی از مقاله دچار ضعف در استدلال شده است. در ادامه به مطالب نادرست مقاله وی اشاره می‌شود.



یک. دو خطاب «المزمل» و «المدثر»

نویسنده در قسمتی از مقاله، با استناد به آیات پر شمار قرآنی، به القابی که به پیامبر اکرم^ع نسبت داده شده، اشاره کرده که هرکدام از آن، بیانگر بخشی از وظایف آن حضرت است؛ از جمله القابی که معانی آن را ذکر کرده و ذیل آن تحلیل مختصری را ارائه داده است عبارتند از: رسول، نبی، عبدالله، بشیر، نذیر، مذکر، شاهد، مبشّر، داعی، سراج منیر، مَزْمَل و مَدَثَر. در پایان این قسمت، وی در تحلیل دو لقب آن حضرت، یعنی «مَزْمَل» و «مَدَثَر» چنین می نویسد: «بنابراین، قرآن در ترغیب وی به قیام و انجام مأموریت خود، او را به عنوان «الْمَزْمَلُ» (جامه به خویشتن فروپيچیده) (المَزْمَلُ/۱) و «الْمُدَثِّرُ» (ردای شب بر سر کشیده) (مَدَثَر/۱) خطاب کرده است. این دو لقب، احتمالاً نماد عقب نشینی و بی میلی اوست (Rubin, Encyclopaedia of the Qur'an, ۲۰۰۱: ۳، ۴۴۳).

بررسی و تحلیل

کلمه «مزمل» - با تشدید زاء و تشدید میم - در اصل «مزمَل» بوده، اسم فاعل از باب تفعّل (ترمَل) است، و معنایش لفافه به خود پیچیده است. کسی که جامه یا چیزی به خود می پیچد تا بخوابد یا مثلاً سرما را دفع کند، آن را «مزمل» می گویند. از ظاهر این جمله برمی آید در آن ساعتی که این سوره نازل می شده، آن جناب جامه ای را به خود پیچیده بوده، ازین جهت به «مزمل» مورد خطاب قرار گرفته است. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۶۰/۲) و کلمه «مدثر» - با تشدید دال و تشدید ثاء - در اصل «متدثر» بوده، که از مصدر «تدثر» مشتق شده، و معنایش پیچیدن جامه و پتو و امثال آن به خود در هنگام خواب است، و خطاب در این جمله به رسول خدا^ع است که در چنین حالی بوده، و لذا به همان حالی که داشته یعنی «پتو به خود پیچیده» مورد خطاب قرار گرفته، تا ملاطفت را برساند، نظیر جمله «یا ایها المزمل» که این انس و ملاطفت را می رساند (همان: ۷۹/۲۰).

مفسران آیات مذکور را که به نوعی نقد گفته های یوری روبین است این گونه تحلیل کرده اند:

۱. اصل فرضیه یوری روبین که الفاظ مَزْمَل و مَدَثَر را از القاب پیامبر قرار داده، اشتباه است؛ زیرا برابر رسم آن روز عرب، به کارگیری این گونه الفاظ درباره یک شخص، بیانگر صفت یا حالتی از حالات وی است؛ چنانکه پیامبر اکرم^ع، به علی^ع هنگامی که صورت بر روی خاک گذاشته بود، جهت اظهار ملاطفت فرمود: «قم ابا تراب»، خداوند متعال نیز برای ابراز ملاطفت به آن حضرت این دو کلمه را به کار برده است (سبحانی یامچی و همکاران، «نقدی بر دیدگاه یوری روبین درباره تفسیر کلمات «مزمل» و «مدثر» مقاله (رسول جامه به خود پیچیده)، ۱۳۹۸).

۲. آیات یادشده از منظر مفسران بیان‌کننده اندوه پیامبر α در آغاز رسالت از مسائلی مثل اذیت و ظلمی که از سوی مردم و کفار متوجه حضرت بود. همچنین نماینگر توجه خاص خدای سبحان به پیامبر α بوده و مراد از پوشیدن جامه به تن کردن جامه نبوت است؛ نه جامه ظاهری. افزون بر آن، مقصود کنارگیری از دیدگان مردم و خلوت‌گزینی در غار حراء است؛ زیرا حضرت پس از استراحت کامل می‌بایست به‌پا خیزد و تهجد داشته باشد؛ چراکه زمان دشواری‌های تکالیف، رنج هدایت مردم و ادای وظیفه سنگین رسالت فرارسیده است (ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۹۵ق: ۷/ ۱۹۵۰؛ ۱۲/ ۲۶؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۲۰/ ۸۰ — ۵۹؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۶۶/ ۲۵؛ ابن‌کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۳: ۸/ ۲۶۱؛ آلوسی، روح المعانی، ۱۴۰۵: ۱۵/ ۳۰-۳۱).

از گفته‌های مفسران به دست می‌آید که مراد از خطابات در دو آیه بازگشت و اکراه نیست و این امر نشان می‌دهد که روبین به اشتباه از دو تعبیر مزمل و مدثر اکراه و عقب‌نشینی پیامبر α از انجام را رسالت را برداشت کرده است.

دو. گستره رسالت پیامبر α

پروفسور روبین بر این باور است که حدود قلمرو رسالت حضرت محمد α بین جهانی و منطقه‌ای بودن آن در حال تغییر است. منطقه‌ای بودن آن به این معنا است که بر اساس برخی آیات قرآن کریم، پیامبر اکرم α گاه به قوم خود بیم داده و یا اینکه عربی بودن قرآن، نشانگر انحصاری بودن دعوت او برای عرب‌ها است. و جهانی بودن رسالت آن حضرت به این معناست که خداوند متعال او را به‌عنوان پیامبر برای همه جهانیان ارسال کرده است، وی در این باره می‌نویسد: «دامنه مأموریت پیامبر قرآنی بین جهانی و محلی بودن تغییر می‌کند... در قسمت دیگری (از آیات قرآنی) اشاره شده که وی به جامعه‌ای (امت) فرستاده شده است که پیش از آنها امت‌های دیگر بوده‌اند (رعد/ ۳۰). به نظر می‌رسد که مخاطبان وی عرب هستند و با ملل پیشین (یهودیان و مسیحیان) متفاوت است». وی در بخش دیگری از مقاله خود که درباره دین ابراهیم است به محدودیت گستره رسالت می‌پردازد و این بر ترجیح این دیدگاه تأکید می‌کند که «روند جزئی‌نگر آیتی که رابطه‌ای مستقیم میان ابراهیم و پیغمبر برقرار می‌کنند، در ظاهر یک بار دیگر گستره پیام پیغمبر را به حوزه عربستان محدود می‌کند» (Rubin, Encyclopaedia of the Qur'an, ۲۰۰۱: ۳، ۴۴۳).

بررسی و تحلیل

نویسنده در مقاله خود به تمسک به ظواهر آیاتی قرآن کریم (مریم/ ۹۷؛ دخان/ ۵۸؛ ابراهیم/ ۴) که به عربی بودن زبان پیامبر α و نیز قرآن ارتباط دارد و نیز آیاتی مثل (جمعه/ ۲؛ بقره/ ۱۵۱؛ تو به/ ۱۲۸) که



مربوط به محدودیت مخاطبان پیامبر α می شود و همچنین آیاتی مانند (نمل/۹۱؛ شوری/۷؛ انعام/۹۲؛ بلد/۲) که دلالت بر ام القری بودن شهر مکه و ساکنین آن دارد راه خطا پیموده است، به خطا رفته است؛ زیرا در ست است که آیات قرآن کریم به لسان عربی مبین (زبان فصیح) بر پیامبر خاتم و در محدوده جغرافیایی نازل شده، ولی این موضوع مربوط به ابتدای رسالت پیامبر α می شود نه تمام آن؛ زیرا همه پیامبران در وهله نخست با قوم خودشان در ارتباط هستند و یاران خاص نیز از میان آنان انتخاب می شوند. از این رو، می بایست با آن ها با زبان و لغت رایج میان آن قوم سخن گوید و در آیاتی که اشاره شد وجه بر منحصر بودن مخاطبان آیات قرآن کریم به کسانی که عرب زبان هستند، وجود ندارد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۰/۲۶۹).

از سوی دیگر، واژه «منکم» در آیات دیگر «رَسُولاً مِنْكُمْ» احتمال دارد اشاره به «بشر» بودن پیامبر α در برابر «ملیک» بودن او داشته باشد که حکایت از نعمتی بزرگی می کند و آن اینکه او انسانی است که از نیازها، درها و مشکلات انسان ها خبر دارد و الگو و رهبر آنان قرار می گیرد. افزون بر آن، ظاهر آیاتی که بر هم نژاد و هم وطنی پیامبر اکرم(ع) با سایر اعراب دلالت و تعصّب نژادی اعراب بر اساس آیات ۱۹۸ و ۱۹۹ سوره شعراء را آشکار می ساخت که در صورتی قرآن به غیر از زبان عرب نازل می شد، دیگر اعراب به آن ایمان نمی آوردند. چنانچه در پیش اشاره شد، این موضوع صرفاً به ابتدای رسالت پیامبر α ارتباط پیدا می کند؛ زیرا آیات فراوانی در قرآن کریم بر جهانی بودن دعوت پیامبر خاتم α دلالت دارند؛ گرچه فراخواندن مردم به وسیله آن حضرت به اسلام، به تدریج گسترش یافت و پیامبر اکرم(ع) در هر دوره از طول بیست و سه سال رسالتش مأمور ابلاغ پیام به محدوده خاصی بود؛ ابتدا بستگان نزدیک (شعرا/۲۱۴)، سپس ملت عرب و قوم قریش (فصلت/۲) و (زخرف/۴۴)، سپس همه جهانیان (فرقان/۱ و ... (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱/۵۱۱).

از جانب سوم در آیاتی که اشاره به «أُمُّ الْقُرَى» بودن شهر مکه شده است با جهانی بودن دین اسلام منافات ندارد؛ زیرا اصطلاح «قریه» از منظر قرآن به مفهوم آبادی اعم از شهر بزرگ یا روستای کوچک است و چنانچه به شهر مکه «أُمُّ الْقُرَى» اطلاق شده است به موضوع «دحوالارض» اشاره دارد. ریشه و اساس مفهوم لغوی «أُمُّ» از خشک بودن روی زمین مکه گرفته شده است؛ لذا «و من حولها» تمام مردم روی زمین را شامل می شود و این گونه آیات دلیلی بر جهانی بودن دعوت پیامبر اسلام α شمرده می شوند (همان: ۳۴۶/۵؛ ۳۵۷/۲۰).

چهارم اینکه با بررسی آیات، روایات و مدارک تاریخی، روشن می شود که رسالت حضرت محمد α از ابتدای ظهورش، به عنوان آخرین و ختم کننده پیامبران، جهانی معرفی شده است؛ چنانکه خداوند متعال

می فرماید: II تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (فرقان/۱)؛ «زوال ناپذیر و پربرکت است کسی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد». و نیز می فرماید: II وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَـكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (سبأ/۲۸)؛ «و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آنها را به پاداش های الهی) بشارت ده و (از عذاب او) بترسانی، ولی بیشتر مردم نمی دانند!». خداوند بر اساس آیه II وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ (ابراهیم/۴)؛ رسول اکرم α را به عنوان پیامبری که در میان عرب زبان ها ظهور کرده و آنها را با زبان عربی به معارف بلند اله دعوت می کند، شناسانده است؛ چنانکه می فرماید: II إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (زخرف/۳)؛ «ما آن را قرآنی به لسان فصیح عربی مقرر داشتیم تا مگر شما (بندگان در فهم آن) عقل و فکر کار بندید».

البته شکی نیست که برابر آیه فوق (زخرف/۳)، مخاطبان اولیه آن حضرت، عرب ها بودند؛ اما دلیلی بر انحصار به عرب ها وجود ندارد؛ زیرا رسالت آن حضرت برای تمام جوامع بشری است؛ چنانکه قرآن می فرماید: II... وَأَوْحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ... (انعام/۱۹)؛ «... و وحی شده به من، آیات این قرآن تا به وسیله آن، شما و هرکس را که خبر این قرآن به او رسد بترسانم». جمله «وَمَنْ بَلَغَ» به خوبی رسالت جهانی قرآن و دعوت عمومی و همگانی آن را اعلام می دارد. تعبیری از این کوتاه تر و جامع تر برای ادای این منظور، تصور نمی شود و دقت در وسعت آن می تواند، هرگونه ابهامی را در مورد عدم اختصاص دعوت قرآن به نژاد عرب و یا زمان و منطقه خاصی برطرف سازد. افزون بر این، از آغاز بعثت در میان پیروان صادق آن حضرت، افراد غیرعرب نیز وجود داشته اند. این دلیل بر عدم انحصار رسالت به عرب ها است (ر.ک: سعیدی مهر، آموزش کلام اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۲/۲).

پنجم اینکه با بررسی مقاله محمد در دائرة المعارف قرآن لیدن درمی یابیم که نگارنده در سراسر این مقاله، شانزده بار صفت "Qur'anic prophet" یعنی پیامبر قرآنی یا "Qur'anic messenger" یعنی رسول قرآنی را برای حضرت محمد α استفاده کرده است. به نظر می رسد چنین تعبیری از یوری روبین، نشانگر این نکته است که آن حضرت تنها پیامبر یا رسول قرآنی است؛ اما با توجه به آیات قرآن (مثل آیه ۲۸ سوره سبأ) و مدارک تاریخی، روشن می شود که آن حضرت، پیامبر برای تمام جهانیان است.

سه. اهداف بعثت پیامبر α

نویسنده این مقاله در بیان اهداف رسالت حضرت محمد α با استناد به برخی از آیات قرآن هدف از بعثت آن حضرت را انذار و بیم دادن به کافران دانسته و می نویسد:

«مأموریت پیامبر قرآنی غالباً جنبه اخروی دارد؛ زیرا نقش او هشدار دادن به کافران در مورد مجازات روز قیامت است» (ibid, ۴۴۲). وی با اشاره به برخی آیات دیگر چنین می نویسد: «بخش های دیگری (از آیات) که پیامبر در آنها خطاب شده مستقیماً پیام توحیدی را در رسالت خود نشان می دهد و از او خواسته شده نام پروردگار خود را بخواند یا نام او را ستایش کند». (ibid, ۴۴۳).



بررسی و تحلیل

یکی از اشکالات مستشرقان در پژوهش های اسلام شناسی و به ویژه قرآن، برداشت های سطحی و بی ضابطه بسیار آنان از قرآن مجید است. بی تردید یوری روبین در تألیف مقاله محمد α به طور گسترده از آیات قرآنی استفاده کرده است؛ اما گاه ضوابط لازم در این مورد را رعایت نکرده است. قرآن کریم دریای عمیقی است که مفسران معمولاً در فهم و تفسیر آیات آن باید به زبان عربی، حقایق تاریخی، اسباب نزول و دیگر ظوابط تفسیر صحیح احاطه داشته باشند.

نویسنده با استناد به برخی از آیات قرآنی از جمله آیه ۷۰ سوره ص، آیات ۱۹ و ۹۲ سوره انعام، آیه ۲ سوره اعراف و ... هدف بعثت پیامبر α را تنها انذار کافران از عذاب روز رستاخیز می داند. در واقع این برداشت منفی از رسالت آن حضرت است؛ چنانکه وی نوشته است:

«مأموریت پیامبر قرآنی غالباً جنبه اخروی دارد؛ زیرا نقش او هشدار دادن به کافران در مورد مجازات روز قیامت است». (ibid, ۴۴۳)؛ اما با بررسی تعداد زیادی از آیات قرآن (بقره/۱۱۹ و ۲۱۳؛ نساء/۱۶۵؛ انعام/۴۸؛ اعراف/۱۸۸ و ...) حضرت محمد α همچون پیامبران پیشین، نه تنها منذر (انذارکننده) نسبت به بدکاران؛ بلکه مبشّر (بشارت دهنده) امور گوناگون مربوط به معاش و معاد به نیکوکاران نیز معرفی شده است. در قرآن کریم بشارت و انذار در کنار یکدیگر آمده اند (اعراف/۱۸۸)؛ نکته قابل توجه آن است که در قرآن، بشیر بودن آن حضرت، غالباً بر نذیر بودن مقدم است (بقره/۱۱۹)؛ علاوه بر این، تنها هدف از ارسال حضرت محمد α ، مژده و هشدار دادن نبود؛ بلکه از اهداف بزرگ بعثت ایشان، تلاوت آیات، تزکیه نفس، آموزش کتاب و حکمت معرفی شده است. چنانکه می فرماید: Π هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ... (جمعه/۲)؛ «او خدایی است که در میان جمعیت درس نخوانده و سولی از خود شان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد...» در تفسیر این آیه آمده است: آیه مذکور، هدف از بعثت پیامبر اکرم α را در سه امر خلاصه کرده که یکی جنبه مقدماتی دارد و آن تلاوت آیات الهی است؛ دو قسمت دیگر یعنی «تهذیب و تزکیه نفوس» و «تعلیم کتاب و حکمت» دو هدف بزرگ نهایی را تشکیل می دهد. آری پیامبر α آمده است تا انسان ها را هم در زمینه علم و دانش و هم اخلاق و عمل پرورش دهد، تا به وسیله این دو بال بر اوج آسمان سعادت پرواز کنند و مسیر الی الله را برگزینند و به مقام قرب او نائل شوند (ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۰۷/۲۴).

چهار. دین پیامبر α

نویسنده مقاله مذکور با استناد به آیات قرآن کریم (انعام/۶ و ۱۶۳، زمر/۱۲) و به ویژه به آیه Π اَوَّلًا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ O (یونس/۱۰۵) حضرت محمد α را نخستین مسلمان در بین قوم خود دانسته است که با رهاکردن شرک به خدا مسلمان شد، وی در این باره چنین نگاشته است:

«پیامبر قرآنی، در میان قوم خویش، اولین کسی بود که مسلمان شد؛ یعنی کسی که شرک را ترک کرده است. ترک شرک به معنای خلوص ایمان شخص است و این کار است که پیامبر را مسلمان کرده است» (Rubin, Encyclopaedia of the Qur'an, ۲۰۰۱: ۳، ۴۴۳).

بررسی و تحلیل

در بحث از آیین پیامبر اکرم، آقای روین با استناد به آیات قرآن (انعام/۱۴ و ۱۶۳؛ زمر/۱۲) حضرت محمد α را نخستین مسلمان در بین قوم خود معرفی می کند. و این نظریه ظاهراً برای توجیه قول افرادی است که بر این باورند والدین و اجداد پیامبر مشرک بودند؛ ازاین رو علمای شیعه بر این باورند که پیامبر اکرم از والدین و اجداد پاکش به دنیا آمده و آنها یکتاپرست بودند و هیچ کدام از آنها مشرک نبودند (پیشوایی، تاریخ اسلام از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام، ۱۳۹۰: ۷۰)؛ اما در رابطه با اولین مسلمان بودن پیامبر اسلام همان طوری که در برخی آیات آمده است، این دلالت بر کیفیت و اهمیت اسلام او است؛ زیرا درجه تسلیم و اسلام او بالاتر از همگان بود؛ لذا خداوند متعال درباره هیچ پیامبری تعبیر «أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ» ندارد، حضرت ابراهیم γ با اینکه سبق زمانی داشت و سرسلسله انبیای ابراهیمی γ بود و دعا کرد: Π رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ O (بقره/۱۲۹)؛ «پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار توانایی)». (فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۱۴۱۵ ق: ۱۹۰/۱).

صاحب تفسیر نمونه در این باره می نویسد: البته «مسلم» به معنای کسی است که در برابر فرمان خدا تسلیم است و این معنا درباره همه پیامبران الهی و امت های مؤمن آنها صدق می کند، با این حال، اولین مسلمان بودن پیامبر اسلام α یا از نظر کیفیت و اهمیت اسلام او است؛ زیرا درجه تسلیم و اسلام او بالاتر از همگان بود و یا اولین فرد از این امت بود که آئین قرآن و اسلام را پذیرفت. در بعضی از روایات نیز وارد شده است که منظور آن است که رسول الله α نخستین کسی است که در عالم ارواح به دعوت پروردگار و سؤال او در زمینه الوهیتش پاسخ مثبت داد». (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۶/۶۲).



فیض کا شانی معتقد است: «إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ أَجَابَ فِي الْمِيثَاقِ؛ حضرت نخستین کسی است که در عالم ذر و گرفتن عهد و میثاق، لَبیک گفته است. پس اسلام آن حضرت مقدم بر اسلام همه خلائق است». (فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۱۳۸۷: ۲/۶۵۴).

علامه طباطبایی نیز در این زمینه می نویسد: جمله «وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ» دلالت دارد بر اینکه مقصود از «اول»، اولیت به حسب درجه است نه اولیت به حسب زمان؛ زیرا پیش از رسول خدا نیز مسلمانانی بودند». (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۷/۵۴۴).

همچنین با بررسی گزارش های تاریخی روشن می شود که هنگام ظهور اسلام در عربستان افرادی بودند که برخلاف بیشتر مردم که مشرک و بت پرست بودند به خداوند یگانه و احیاناً به کفر و پاداش روز رستاخیز معتقد بودند. مورخان این نوع افراد را یکتاپرستان و حنیفان می شمارند (پیشوایی، تاریخ اسلام از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام، ۱۳۹۰: ۷۰)؛ شواهد تاریخی دیگری وجود دارد و حاکی از آن است که در میان همه انبیای الهی، پیامبر اسلام تنها رسولی است که دارای تاریخ مشخصی می باشد. از جمله پیشینه حیات شفاف پیامبر آن است که در تمام دوران حیات چهل ساله پیش از بعثت، در محیط متلاطم از بت پرستی شرک، هیچ وقت بر سجده نکرد و در صورتی که مشرکان از او کوچ ترین کرنشی در مقابل بت ها می دیدند، قطعاً در زمان مبارزه او با شرک، کفار و مشرکان بر او خرده می گرفتند و سابقه او را به رخ می کشیدند؛ در حالی تاریخ گواه می دهد که حضرت با انواعی از دشنام ها و افتراها از سوی دشمنان خود مواجه شده است؛ اما هیچ وقت کسی ادعای مشرک بودن او را نکرده است. (مطهری، سیری در سیره نبوی، ۱۳۷۷: ۲۶۹).

از جمله مورخان ماجرای ملاقات بحیرا راهب نصرانی با پیامبر خاتم را این گونه شرح داده اند: «بحیرا پیامبر را به لات و عزرا سوگند داد که پاسخ سؤالاتش را بدهد، محمد پاسخ داد: «مرا به نام لات و عزری قسم نده که هیچ چیز را چون این دوت ناخوش نمی دانم». سپس بحیرا ایشان را به خدا سوگند داد. این یکی از شواهد تاریخی دال بر موحد بودن پیامبر در نوجوانی است که در منابع مختلف تاریخ ذکر شده است» (شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام از آغاز تا نیمه نخست سده چهارم، ۱۳۸۳: ۳۸).

گواه تاریخی دیگر مربوط به دروان کودکی پیامبر می شود. آن زمان که او فقط چهار سال سن داشت و قصد داشت تا با برادران رضاعی خویش به صحرا رود، حلیمه مهره یمانی را در نخی قرار داد و برای حفاظت از او به گردش آویخت. حضرت آن مهره را از گردن درآورد و این گونه مادر را مورد خطاب قرار داد: «مادر جان! آرام باش. خدای من که پیوسته با من است، نگهدار و محافظ من است» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۱۵/۳۹۲).

افزون بر آن، پیامبر اکرم α از خاندان قهرمان یکتاپرستی یعنی حضرت ابراهیم γ محسوب می شود که تمام نیاکان و خاندان او از موحدان بودند. یکی از آن موحدان پدر بزرگ حضرت جناب عبدالمطلب بود که نقش برجسته ای در دفاع از خانه خدا با استمداد از خدا در جریان حمله اصحاب فیل داشت. همچنین دعاهاى سرپرست و عموی او حضرت ابوطالب به درگاه خدا در زمان خشک سالی و قحطی زدگی در قالب اشعار در دل تاریخ ثبت و ضبط شده است (سبحانی، فروغ ابدیت، ۱۳۸۵: ۲۰۹).

تمام نویسندگان سیره هم بر این موضوع متفق اند که پیامبر اکرم α پیش از رسالت، مدت زیادی را در غار حراء به پرستش خدا مشغول بود که در کتاب شریف نهج البلاغه نیز به آن اشاره شده است (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۱۸/۲۸۱ - ۲۷۱).

نکته پایانی اینکه در تفسیر آیه $\text{وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ}$ این گونه ذکر شده است: «این جمله در سیاق آیاتی که راجع به امر عقل، فطرت و وحی بر توحید و نفی شرک (به مراتب آن) از ذات مقدس خداوند متعال است، قرار گرفته و دلالتی جز تأکید بر دور بودن همه جانبه پیامبر α به عنوان پیشوا و الگوی امت مسلمان، از همه انواع شرک ندارد» (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن: ۳۲/۷؛ مکارم شیرازی، نمونه، ۱۳۷۱: ۵/۱۷۳).

افزون بر آن، پیامبر خاتم α از ذریه حضرت ابراهیم خلیل الرحمن؛ قهرمان یکتاپرستی که همه نیاکان و پدران او موحد بودند (مفید، تصحیح الاعتقاد، ۱۴۱۳: ۱۳۹؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۱۴/۱۴۴؛ سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، ۱۴۰۴: ۵/۹۸؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۱/۴۴۷؛ صدوق، الخصال، ۱۴۰۳: ۱/۳۱۳؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۳۶۵: ۶/۸۰ و ۱۱۴؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۱۳/۳۳ و ۲۴).

همچنین به حکم عقل پیامبر اکرم α می بایست هر آنچه سبب دوری مردم از وی می شود منزه باشد. در صورتی که پیامبر α در مقطعی از حیات خویش مشرک یا کافر باشد، امت او دعوتش را قبول نخواهد کرد و استدلال خواهد کرد که چطور دعوت به وحدانیت می کنی در حالی که در برهه ای از زندگی خود در آیین بت پرستی بودی و حال از گرویدن به آن دیگران را نه می کنی. (ابولفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸: ۷/۳۴۰).

پنج. پیامبر اکرم α ، برگزیده خدا

روبین در بخشی از این مقاله، حضرت محمد α را برگزیده خداوند متعال که دریافت کننده وحی و رحمت ویژه اله است، معرفی کرده استوی چنین نگاشته است:



«پیامبر به عنوان پیامبر برگزیده خدا، نه تنها دریافت کننده وحی، بلکه تحت نظارت، شفقت و محافظت بی نظیر است؛ از این رو به پیامبر دستور داده شد از خدا طلب آمرزش کند و در واقع همه گناهانش مورد بخشش کامل قرار گرفته است» (Rubin, Encyclopaedia of the Qur'an, ۲۰۰۱: ۳، ۴۴۶).

بررسی و تحلیل

یوری روبین با استناد به ظاهر برخی آیات قرآن احتمال ارتکاب گناه و حتی شرک توسط پیامبر اکرم α را اثبات می کند. چنانکه در رابطه با آیه ۳۹ سوره اسراء II وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا O...؛ «و هرگز با خدای یکتا کسی را به خدایی نپرست و گرنه ملامت زده و مردود به دوزخ می افتی». در این آیه از شرک به خدا نهی می کند. نویسنده، شخص پیامبر اکرم α را مخاطب می داند؛ به این معنا که خداوند متعال پیامبر را از شرک و بت پرستی بر حذر می دارد. در حالی که بر اساس اعتقاد همه علمای شیعه و عده ای از علمای اهل سنت، پیامبر اکرم α و بقیه پیامبران β معصوم هستند و آنان هرگز به خدا شرک نمی ورزند؛ بلکه حتی گناه از آنان صادر نمی شود (ر.ک: سعیدی مهر، آموزش کلام اسلامی، ۱۳۹۲: ۷۱/۲-۷۲).

شکی نیست که مخاطب اولیه در این آیات، شخص پیامبر اکرم α است؛ اما دیدگاه ها در این زمینه مختلف است. در حقیقت خطاب به حضرت α به خاطر اهمیت و عظمت موضوع است و مخاطبان اصلی این گونه آیات قرآن، امت رسول الله است و نه خود ایشان. این نوع از استعمال های قرآنی، کنایه است که از باب «به در می گویند که دیوار بشنود». استاد قرائتی در این زمینه چنین می نویسد: «گرچه مخاطب آیه پیامبر اکرم α است، ولی مقصود تمام مردم است. نظیر این گونه خطاب در آیات قرآن کریم فراوان است. در این آیه نیز مراد از «لَا تَجْعَلْ» مردم هستند که به دلیل رهبری پیامبر، آن حضرت مورد خطاب واقع شده است» (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۸: ۳۸/۵).

شک پیامبر اکرم α در رسالت

در زیر مجموعه بحث «نگهداری خدا از پیامبر»، روبین با استناد به ظاهر آیه ۹۴ سوره یونس معتقد است، خود پیامبر نسبت به وحی ای که بر او نازل شده است، شک داشت؛ از این رو خداوند متعال دستور داده است که از اهل کتاب بپرسد تا اینکه به آن چیزی که بر او نازل شد مطمئن شود» (Rubin, Encyclopaedia of the Qur'an, ۲۰۰۱: ۳، ۴۵۱).

بررسی و تحلیل

نسبت دادن شک و تردید به پیامبر اکرم α در حقانیت وحی ناروا است؛ زیرا آن حضرت پدیده وحی را با مشاهده و یقین به دور از هرگونه تردید و ابهام، در حالت هوشیاری و با علم حضوری دریافت

می‌کرد، چه اینکه در لحظه وحی پرده‌ها از جلو دیدگان قلب پیامبر برداشته می‌شد و می‌توانست واقعیت را از طریق اتصال روح ملکوتی‌اش با عالم فرشتگان و از طریق اشراقات نورانی در عالم ملکوت بعینه مشاهده کند. در نتیجه حقیقتی که بر او نازل شده با شعور و ادراک شهودی دریافت می‌کرد و همچون کسی بود که در روشنائی روز خورشید را مشاهده کرده است. همچنان که آیات و روایات درباره چگونگی ارتباط وحیانی پیامبر اسلام و نحوه نزول وحی به ایشان، بیانگر آن است که نزول قرآن بر پیامبر اسلام به وسیله جبرئیل و در افق برتر از عالم طبیعت صورت می‌گرفت (ر.ک: حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ۱۳۶۸: ۳۲).

استاد قرائتی درباره عدم تردید پیامبر اکرم α نسبت به امور وحیانی می‌نویسد: «خداوند متعال در آیه‌ای از قول پیامبر اکرم α خطاب به مردم می‌فرماید: اگر در دین من شک دارید Π إِنَّ كُنتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي... O؛ «اگر شما در آیین من شک دارید...» پس خود آن حضرت شک نداشت، وگرنه تحدی نمی‌کرد. همچنین در آیه‌ای دیگر، قرآن کریم می‌فرماید: Π آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ O (بقره/۲۸۵)؛ «پیامبر خدا به آنچه به او وحی می‌شد، ایمان داشت. البته گاهی خطاب قرآن به پیامبر است، ولی مخاطب مورد نظر دیگران هستند؛ مانند این آیه که می‌فرماید: Π مَا يُلْقِيَنَّ عِنْدَكَ الْكُبَرَ أَحْذَرُهُمَا أَوْ كَلَاهُمَا... O (اسراء/۲۳)؛ «چنانکه یکی از آنها یا هر دو در نزد تو پیر و سالخورده شوند...» درحالی‌که پدر حضرت رسول قبل از تولدش و مادر او در سن کودکی آن حضرت از دنیا رفتند و در هنگام نزول این آیه، پیامبر پدر و مادری نداشت تا پیر باشند. آیه از باب «به در بگو تا دیوار بشنود» است که در زبان عربی می‌گویند: «إِيَّاكَ أَعْنِي وَاسْمَعِي يَا جَارَةً». در مسائل تربیتی هم گاهی خطاب به بزرگان و شخصیت‌ها می‌کنند، تا دیگران حساب کار خودشان را بکنند». (ر.ک: قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۸: ۱۳/۳: ۶۲۰).

در این رابطه در حدیثی از امام صادق γ روایت شده است که در پاسخ این سؤال که پیامبران چگونه می‌دانستند که رسول اله هستند؟ حضرت فرمود: «كُشِفَ عَنْهُ الْغِطَاءُ»؛ پرده از جلو آنها برداشته می‌شود (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱۱/۵۶).

هفت. همسران پیامبر α

نویسنده مقاله به ماجرای آیات ابتدایی سوره تحریم و ماجرای افک و بهتان علیه زنان پیامبر α اشاره کرده و می‌نویسد: «قرآن کریم به چند مشکل خانوادگی و مبهم پیامبر α با دو تن از زنانش (تحریم/ ۱) و نیز به کسانی که آن بهتان (افک) را درآوردند (نور/ ۱۱ — ۲۶) اشاره‌هایی می‌کند. کم و کیف این بهتان در قرآن فاش نشده است؛ اما احادیث و روایات اسلامی آن را با عایشه مرتبط دانسته‌اند» (Rubin, Encyclopaedia of the Qur'an, ۲۰۰۱: ۳، ۴۵۱).



بررسی و تحلیل

آیات افک در سوره نور مربوط به زن متشخص در جامعه اسلامی آن زمان است که پس از غزوہ بنی مصطلق (ماه شعبان سال ۶ هجری) در مظان اتهام واقع شده بود، ولی ارتباط افک به عایشه از منابع محدثان و مفسران استخراج نمی شود. افزون بر آن، در مورد عایشه هم ثبت نگردیده است. به تعبیر بعضی از اندیشمندان به دلیل اینکه شأن نزول خاصیت ضدّ و نقیض پیدا کرده، نمی توان در مورد شخصیت آن زن به یک نظر قطعی دست یازید. (سبحانی، فروغ ابدیت، ۱۳۸۵: ۱/ ۱۷۳ - ۱۸۲).

دیدگاه مشهور درباره شأن نزول آیات آغازین سوره تحریم آن است که مربوط به «زینب دختر جحش» یکی از همسران پیامبر^ع می شود که برخی اوقات لقمه ای از عصل برای حضرت می آورد و این کار او بر دو همسر دیگر پیامبر^ع یعنی «عایشه» و «حفصه» گران می آمد. از این رو، آن دو تصمیم گرفتند زمانی که پیامبر^ع «زینب» را ترک گفت، آن ها از بوی نامناسب «مغاضیر» سخن کنند و زمانی که نیست خودشان را عملی کردند، از آنجایی که پیامبر^ع در نظافت و معطر بودن در اوج قرار داشت، با ملاحظه اینکه ممکن است زنبور از «مغاضیر» تغذیه و عسل داده باشد، قسم یاد کرد بعد از آن دیگر عسلی از آن نخورد و بر آن بود که این امر بر دیگران مخفی بماند، ولی سرانجام راز افشا گردید و آیات مربوط نازل گردید (ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۲۴/ ۲۷۱).

هشت. اعتبار احادیث

نویسنده مقاله در باره رابطه قرآن و زندگی پیامبر اکرم^ع و استفاده آن از احادیثی که احیاناً اعتبارشان به اثبات نرسیده است و در نتیجه عدم امکان اعتماد به آن، می نویسد: «رابطه میان نص قرآن و محمد تاریخی به هیچ وجه آشکار نیست، برخی همانند جان ونزبرو، حتی منشأ عربی قرآن را هم نپذیرفته اند. در کل باید حتماً به خاطر داشت که اخبار سیره و اسباب النزول خود بخشی از مطالب حدیث اند که اصالت تاریخی آن ها همچنان در پرده ابهام است. بازسازی گاه شماری وحی بر پایه مطالب حدیث باید در نهایت احتیاط صورت گیرد» (Rubin, Encyclopaedia of the Qur'an, ۲۰۰۱: ۳۴۵۱).

بررسی و تحلیل

شک ایشان نسبت به احادیث و صحت آن دلایل متعددی دارد. از جمله دلایل می توان به اطلاعات ناکافی و صحیح او از تاریخ حدیث اسلامی و دیگر علوم مرتبط به آن مثل درایه، رجل و اصول و... اشاره کرد؛ حال آنکه اندیشمندان مسلمان صحت احادیث را از آن طریق دسته بندی و موضوعات مربوط به فقه، سیره و تفسیر و... کشف و ارائه می کنند.

دلیل دیگر، مراجعه او به منابع اندیشه‌شناسان اهل سنت است؛ کسانی که احادیثی که از صحابه و تابعین با ملاحظه صرف صحابی بودن و تابعی بودن پذیرفته و تمام سخنان آنان را موثق قلمداد کرده و در تفسیر آیات قرآن کریم مورد استشهاد قرار می‌دهند و با این کار مسیر ورد احادیث جعلی را باز کردند. (جلالیان، تاریخ تفسیر، ۱۳۷۸: ۱۰۶)؛ در حالی گستره صحت روایات نزد شیعیان خیلی خاص و مربوط به معصومین^۱ می‌شود که حجیت سخنان آنان از طریق آیات قرآن و عقل ثابت شده باشد (معارف، تاریخ عمومی حدیث با رویکرد تحلیلی، ۱۳۸۸: ۳۲)؛ ولی زنجیره‌ای که در این مسیر مستشرقان به آن تمسک می‌کنند مسئله عصمت و بُعد قدسی معصومین^۲ است و تا زمانی که به حلقه این زنجیره دست نیابند، رشته تحقیقات آنان گسسته نخواهد شد. از این رو، اصالت حدیث نزد مسلمان، به‌ویژه شیعیان نه تنها با بن‌بست و ابهامی مواجه نمی‌شود؛ بلکه احادیث پس از آیات قرآن کریم جایگاه ویژه‌ای نزد مسلمانان اعم از شیعه و سنی پیدا کرده است. اندیشه‌شناسان شیعی بر نقش احادیث در فهم آیات قرآن کریم تأکید کرده‌اند و هم شیوه فهم احادیث را به اصحاب و شاگردان آموزش داده و نیز راه حفظ، نگهداری و انتقال آن را به نسل‌های بعدی آموخته‌اند.

سابقه این اشکال، در میان مستشرقان به گلدزیهر می‌رسد. وی با انتشار جلد دوم کتاب «مطالعات اسلامی» در سال (۱۸۹۰م) این ایده را مطرح کرده است که اغلب متون حدیث، اعتقادات دوره‌های متأخر از صدر اسلام را بازگو می‌کنند؛ چراکه در فضای دوره‌های متأخر ساخته و تدوین شده‌اند؛ از این رو این متون را نباید منبع و مرجع تاریخی در تدوین سیره رسول اکرم^۳ و تاریخ صدر اسلام دانست. اولین واکنش به این تردیدها را خانم نبیه ابوت در کتاب «مطالعاتی در پاپیروس‌های عربی»، جلد اول، متون تاریخی، جلد دوم تفاسیر قرآن و روایات؛ و سپس فؤاد سزگین در کتاب «تاریخ ادبیات عرب»، دیدگاه گلدزیهر را مردود ساختند.

خانم ابوت بر سنت همیشگی اعراب در نویسندگی، شعر، تاریخ و حدیث، حتی از دوره جاهلیت تأکید می‌کند. فؤاد سزگین با تاریخ‌گذاری برخی متون روایی و تفسیری پیش از قرن دوم و سوم، همچون نسخ القرآن زُهری و تفسیر ابن عباس، قدمت و وثاقت منابع کهن اسلامی را اثبات می‌کند (کریمی‌نیا، سیره‌نگاری پیامبر اسلام در غرب، ۱۳۸۰: ۶۸).

از سوی دیگر ارتباط قرآن با پیامبر^۴ در نصوص قرآن و منابع تاریخی اسلامی و عربی کاملاً روشن است و هیچ محقق‌تی در این زمینه تردید ندارد. این مطلبی است که به تواتر به ما رسیده و تواتر یقین‌آور است (معارف و اعتصامی، «بررسی مقاله محمد»، ۱۳۸۹: ۱۱-۴۳).



نتیجه

مقاله محمد^ع اثر یوری روبین گرچه دارای نقاط قوت و محاسن زیادی است؛ اما اشکالات ساختاری و محتوایی فراوانی دارد. بررسی مقاله «محمد» بیانگر آن است که آقای یوری روبین در تحقیق خود از آیات زیادی بهره برده، به گونه‌ای که برای بیان هر موضوعی به آیه‌ای از آیات قرآن استشهاد کرده است. در تحقیق او به انسجام مطالب و رابطه موضوعات توجه نشده؛ بلکه ضمن خروج از بحث اصلی و به حاشیه راندن آن، برخی از موضوعات را بدون دلیل به تفصیل بیان کرده است. مشکل دیگری که در پژوهش وی به دیده می‌شود، برداشت ناصحیح او از بعضی آیات قرآن کریم است که سبب شده برخی از موضوعات را به اشتباه در ارتباط به حضرت محمد^ع مطرح کند که این مسئله باعث کاهش اعتبار تحقیق او شده است. افزون بر آن، مواردی مثل دخالت‌ندادن زمینه‌های نزول آیات، بی‌توجهی به سیاق آیات، بی‌توجهی به گفتار مفسران و صحابه به خصوص سخنان معصومین^ع، بهره‌نگرفتن از قواعد و مباحث علوم قرآن در تشریح آیاتی که حاوی مطلق و مقید، محکم و متشابه، عام و خاص و... است باعث شده تا آقای یوری روبین برداشت و تفسیر نادرستی از آیات قرآن کریم ارائه دهد.

منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، قم: ۱۳۷۳.
۲. آلوسی، ابوالفضل شهاب‌الدین سید محمود، روح المعانی، نشر داراحیاء التراث العربی، بیروت: چاپ چهارم، ۱۴۰۵ ق.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، مؤسسة الرسالة، بیروت: ۱۴۱۶.
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، نشر دارالکتب اسلامیة بیروت: چ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۵. ابن‌کثیر الدمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، داراحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۳ ق.
۶. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۱۴.
۷. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، بنی‌هاشمی، تبریز: ۱۳۸۱ ق.
۸. ابولفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، آستان قدس رضوی، مشهد: ۱۴۰۸ ق.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، جمهوریة مصر العربیة، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشتون الاسلامیة، لجنة إحياء كتب السنة، قاهره: چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۱۰. پیشوایی، مهدی، تاریخ اسلام از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام، دفتر نشر معارف، قم: چاپ شانزدهم، ۱۳۹۰.
۱۱. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح (سنن الترمذی)، دار الحدیث، قاهره: ۱۴۱۹.
۱۲. جلالیان، حبیب‌الله، تاریخ تفسیر قرآن کریم، اسوه، تهران: چاپ ششم، ۱۳۷۸.
۱۳. حجتی، محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی تهران: ۱۳۶۸.
۱۴. حرّعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل‌البیت، قم: ۱۴۰۹.
۱۵. راغب‌اصفهانى، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، المکتبه الرضویه، تهران: ۱۳۷۴.
۱۶. رضایی‌اصفهانى، محمدعلی، «بررسی دائرةالمعارف قرآن لیدن»، مجله قرآن و مستشرقان، شماره اول، زمستان ۱۳۸۵.
۱۷. رضایی‌هفتادر، حسن؛ همتیان، مهدی، «نقد دیدگاه یوری روبین درباره نام‌ها و القاب پیامبر(ص)»، دوفصلنامه علمی قرآن‌پژوه خاورشناسان، سال چهاردهم، شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۱۸. زمانی، محمدحسن، آشنایی با استشرق و اسلام‌شناسی غربیان، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۹۴.



۱۹. زمانی، محمدحسن، مستشرقان و قرآن، مؤسسه بستان کتاب، قم: چاپ هفتم، ۱۳۹۸ش.
۲۰. سبحانی یامچی، محمد؛ داوری چلقایی، احد؛ محرمی، فاطمه، «نقدی بر دیدگاه یوری روبین درباره تفسیر کلمات «مزل» و «مدثر» مقاله «رسول جامه به خود پیچیده»، پژوهش های قرآن و حدیث، سال ۵۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۲۱. سبحانی تبریزی، جعفر، فروغ ابدیت، دفتر تبلیغات، قم: ۱۳۸۵.
۲۲. سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی (راهنماشناسی - معادشناسی)، کتاب طه، قم: ۱۳۷۹.
۲۳. سیوطی، جلال الدین، الإیتقان فی علوم القرآن، دارالفکر، بیروت: ۱۴۱۶.
۲۴. سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴ق.
۲۵. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، دارالهجرة، قم: ۱۴۱۴.
۲۶. شهیدی، جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام از آغاز تا نیمه نخست سده چهارم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۳.
۲۷. صدوق، محمد بن علی، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، قم: ۱۴۰۳ق.
۲۸. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدر سین حوزه علمیه، قم: چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
۲۹. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، المکتبه الاسلامیه، تهران: چاپ پنجم، ۱۳۹۵ق.
۳۰. طوسی، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۵ش.
۳۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، دار المعرفة، بیروت: ۱۴۱۲ق.
۳۲. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، نشر مرتضوی، تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۳۳. عبدالمحمدی، حسین، مستشرقان و پیامبر اعظم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۳۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، مقدمه و تصحیح: حسین اعلمی، مکتبه الصدر، تهران: چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۳۵. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، دارالهجرة، قم: چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۳۶. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، تهران: ۱۳۸۸.
۳۷. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ناصر خسرو، تهران: ۱۳۶۴ش.

۳۸. کریمی نیا، مرتضی، «سیره‌نگاری پیامبر اسلام در غرب»، آینه پژوهش (دوماه نامه)، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، شماره ۶۸، خرداد و تیر ۱۳۸۰.
 ۳۹. مالک بن انس، موطأ الإمام مالک، مؤسسه زاید بن سلطان آل نهیان للأعمال الخيرية و الإنسانية، ابوظبی: ۱۴۲۵ق.
 ۴۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
 ۴۱. محققیان، رضا، «غنیمت»، دانشنامه معاصر قرآن کریم، سرپرست علمی: سید سلمان صفوی، سلمانزاده، قم: ۱۳۹۶ش.
 ۴۲. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، دار الحدیث، قاهره: ۱۴۱۲ه.ق
 ۴۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۶۸ش.
 ۴۴. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، صدرا، تهران: چاپ نوزدهم، ۱۳۷۷.
 ۴۵. معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث با رویکرد تحلیلی، کویر، تهران: ۱۳۸۸.
 ۴۶. معارف، مجید؛ اعتصامی، سمیه‌سادات، «بررسی مقالة محمد»، مجله قرآن پژوه خاورشناسان، دوره ۵، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
 ۴۷. مفید، محمد بن محمد نعمان، تصحیح الاعتقاد، کنگره جهانی شیخ مفید، قم: ۱۴۱۳ق.
 ۴۸. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم: ۱۴۱۷ق
 ۴۹. معرفت، محمدهادی، شبهات و ردود، مؤسسه التمهید، قم: ۱۴۲۳.
 ۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران: چاپ دهم، ۱۳۷۱.
۵۱. Jane Dammen McAuliffe (The Editor), Encyclopaedia of the Qur'an, Leiden
 Brill, first edition, ۲۰۰۱, p.۴۶

سایت‌ها

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم سال ۱۳۶۸.
[=https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id)
۲. سایت دانشگاه تل آویو در اسرائیل: https://english.m.tau.ac.il/profile/urirubin#anchor_cv
۳. سایت شخصی پورفسور یوری روبین: <http://www.urirubin.com/publications>



Resources:

۱. *The Holy Quran*, Translated by Naser Makarem Shirazi, Dar al-Quran al-Karim (Office of Islamic History and Sciences Studies), Qom: ۱۹۹۴.
۲. Abdulmohammadi, Hossein, *Orientalists and the Great Prophet (P)*, Al-Mustafa International Translation and Publishing Center, Qom: Second Edition, ۲۰۱۳.
۳. Abul Futuh Razi, Hossein bin Ali, *Ruz al-Jinnan and Ruh al-Jinan fi Tafsir al-Quran*, Researched by Mohammad Jafar Yahaqi and Mohammad Mahdi Nasih, Astan Quds Razavi, Mashhad: ۱۴۰۸ AH.
۴. Alousi, Abulfazl Shahabuddin Seyyed Mahmud, *Ruh al-Ma'ani (The Spirit of Meanings)*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi Publication, Beirut: ۴th Edition, ۱۴۰۵ A.H.
۵. At-Tirmidhi, Mohammad bin Isa, *Al-Jame' al-Sahih (Sunan al-Tirmidhi)*, Dar al-Hadith, Cairo: ۱۴۱۹.
۶. Bukhari, Mohammad bin Ismail, *Sahih Al-Bukhari*, Arab Republic of Egypt, Ministry of Endowments, Majlis al-A'la for Islamic Affairs, Committee for Revival of Sunnah Books, Cairo: Second Edition, ۱۴۱۰ AH.
۷. Erballi, Ali Ibn Esa, *Kashf al-Ghommah fi Marafah al-Aimmah*, Bani Hashimi, Tabriz: ۱۳۸۱ AH.
۸. Faiz Kashani, Mohammad Bin Shah Mortaza, *Tafsir al-Safi*, Prefaced and Edited by Hossein A'lami, Al-Maktabah al-Sadr, Tehran: Second Edition, ۱۴۱۰ AH.
۹. Fiyouni, Ahmad bin Mohammad, *Al-Misbah al-Munir*, Dar al-Hijrah, Qom: Second Edition, ۱۴۱۴ AH.
۱۰. Hojjati, Mohammad Baqir, *A Research on the History of the Holy Quran*, Tehran Islamic Culture Publishing House: ۱۹۸۹.
۱۱. Hurr Amili, Mohammad bin Hasan, *Wasail al-Shiah*, Alul-Bayt Institute, Qom: ۱۴۰۹.
۱۲. Ibn Faris, Ahmad, *Mu'jam Maqayis al-Lughah*, Dar al-Kutub Islamiyyah, Beirut: ۳rd Edition, ۱۴۲۰ A.H.
۱۳. Ibn Hanbal, Ahmad bin Mohammad, *Musnad al-Imam Ahmad bin Hanbal*, Al-Risala Foundation, Beirut: ۱۴۱۶ A.H.
۱۴. Ibn Kathir al-Dimashqi, Ismail, *Tafsir al-Quran al-Azeem*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۴۱۳ A.H.
۱۵. Ibn Manzoor, Mohammad Ibn Makram, *Lasan al-Arab*, Dar Sadir, Beirut: ۳rd Edition, ۱۴۱۴.
۱۶. Jalalian, Habibullah, *Tarikh Tafsir of the Holy Quran*, Uswa, Tehran: ۶th Edition, ۱۹۹۹.
۱۷. Jane Dammen McAuliffe (The Editor), *Encyclopaedia of the Quran*, Leiden Brill, First Edition, ۲۰۰۱, p ۴۶
۱۸. Jane Dammen McAuliffe (The Editor), *Encyclopaedia of the Quran*, Leiden, Brill, First Edition, ۲۰۰۱, p ۴۶
۱۹. Kariminia, Mortaza, "Biography of the Prophet of Islam in the West", Mirror of Research (Bi-Annual), Qom Seminary Preaching Office, No. ۶۸, June and July ۲۰۰۱.
۲۰. Ma'arif, Majid, *General History of Hadith with Analytical Approach*, Kavir, Tehran: ۲۰۰۹.
۲۱. Ma'arif, Majid; Etsami, Samiyasadat, "Examination of Mohammad's Entry", Orientalist Quranic Research Journal, Volume ۵, Number ۹, Fall and Winter ۲۰۱۰.
۲۲. Ma'rifat, Mohammad Hadi, *Al-Tamhid fi Ulum al-Quran (An Introduction to Quranic Science)*, Al-Nashr al-Islami Institute, Qom: ۱۴۱۷ AH
۲۳. Ma'rifat, Mohammad Hadi, *Doubts and Responses*, Al-Tamhid Institute, Qom: ۱۴۲۳.
۲۴. Majlisi, Mohammad Baqir bin Mohammad Taqi, *Bihar al-Anwar*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: Second Edition, ۱۴۰۲ AH.
۲۵. Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir al-Nemounah (The Ideal Exegesis)*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۰th Edition, ۱۹۹۲.
۲۶. Malik bin Anas, *Muata al-Imam Malik*, Zayed bin Sultan Al Nahyan Institute for Charitable and Humanitarian Deeds, Abu Dhabi: ۱۴۲۵ AH.
۲۷. Mofid, Mohammad bin Mohammad Nu'man, *Tashih al-Itiqad*, Sheikh Mofid World Congress, Qom: ۱۴۱۳ AH.
۲۸. Mohaqiqian, Reza, "Ghanimat", Contemporary Encyclopedia of the Holy Quran, Scientific Supervisor: Seyyed Salman Safavi, Salmanzadeh, Qom: ۲۰۱۷.

۲۹. Mostafavi, Hassan, *Tahaqiq fi Kalamat al-Quran*, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran: ۱۹۸۹.
۳۰. Motahhari, Morteza, *A Glimpse at Prophet's Conduct*, Sadra, Tehran: ۱۹th Edition, ۱۹۸۸.
۳۱. Muslim bin Hajjaj, *Sahih Muslim*, Dar al-Hadith, Cairo: ۱۴۱۲ A.H
۳۲. Peshwai, Mahdi, *History of Islam from Jahiliyyah to the Death of the Prophet of Islam*, Ma'arif Publishing House, Qom: ۱۶th Edition, ۲۰۱۱.
۳۳. Qaraa'ti, Mohsen, *Tafsir Noor*, Cultural Center of Lessons from the Quran, Tehran: ۲۰۰۹.
۳۴. Qurtubi, Mohammad bin Ahmad, *Al-Jame li Ahkam al-Quran*, Naser Khosrow, Tehran: ۱۹۸۵.
۳۵. Raghbi Isfahani, Abul Qasim Hossein bin Mohammad, *Mufradat Alfaz al-Quran*, Al-Maktabah al-Razaviyyah, Tehran: ۱۹۹۵.
۳۶. Rezaei-Isfahani, Mohammad Ali, "Review of the *Leiden Quran Encyclopaedia*", Quran and Orientalist Magazine, Number ۱, Winter ۲۰۱۵.
۳۷. Rezaiehfater, Hassan; Hemtian, Mehdi, "Criticism of Uri Rubin's View on the Names and Titles of the Prophet (P)", Two-quarterly Scientific Journal of Quran Studies of Orientalists, Year ۱۴, Number ۲۶, Spring and Summer ۲۰۱۸.
۳۸. Sadouq, Mohammad bin Ali, *Al-Khisal*, Researched by Ali Akbar Ghaffari, Qom, Jamia Madarrisin, Qom: ۱۴۰۳ AH.
۳۹. Saidi-mehr, Mohammad, *Teaching of Islamic Kalam (Imamology – Eschatology)*, Kitab Taha, Qom: ۲۰۰۰.
۴۰. Shahidi, Jafar, *Analytical History of Islam from the Beginning to the First Half of the 4th Century*, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company, University Publishing Center, ۲۰۰۴.
۴۱. Sharif Razi, Mohammad bin Hossein, *Nahj al-Balaghah*, Revised by: Sobhi Saleh, Dar al-Hijrah, Qom: ۱۴۱۴.
۴۲. Sobhani Tabrizi, Jafar, *Forough Abadiyyat*, Preaching Office, Qom: ۲۰۰۶.
۴۳. Sobhaniyamchi, Mohammad; Davarichalkai, Ahad; Moharrami, Fatemeh, "Criticism of Uri Rubin's Point of View on the Interpretation of the Words "Muzzammil" and "Muddassar" in the Article "The Messenger of the Garment Wrapped in Himself", Quran and Hadith Researches, ۲۰۱۸, Spring and Summer ۲۰۱۹.
۴۴. Suyuti, Jalal al-Din, *Al-Dar al-Manthur fi Tafsir al-Mathur*, Ayatollah Mara'shi Najafi Library, Qom: ۱۴۰۴ AH.
۴۵. Suyuti, Jalal al-Din, *Al-Itqan fi Ulum al-Quran*, Dar al-Fikr, Beirut: ۱۴۱۶.
۴۶. Tabari, Mohammad bin Jarir, *Jame al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Tafsir al-Tabari)*, Dar al-Marifah, Beirut: ۱۴۱۲ AH.
۴۷. Tabarsi, Abu Ali Fazl bin Hasan, *Majma' Al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Al-Maktabeh al-Islamiyyah, Tehran: ۵th Edition, ۱۳۹۵ A.H.
۴۸. Tabatabai, Mohammad Hossein, *Translation of Tafsir al-Mizan*, Islamic Publications Office of the Seminary Society, Qom: ۵th Edition, ۱۹۹۵.
۴۹. Tarihi, Fakhraddin, *Majma Al-Bahrain*, Mortazavi Publishing House, Tehran: ۳rd Edition, ۱۹۹۶.
۵۰. Tusi, *Tahzeeb al-Ahkam*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۹۸۶.
۵۱. Zamani, Mohammad Hassan, *Introduction to Orientalism and Islamology of Westerners*, Al-Mustafi International Translation and Publishing Center, Qom: Second Edition, ۲۰۱۵.
۵۲. Zamani, Mohammad Hassan, *Orientalists and Quran*, Bustan Kitab Institute, Qom: ۷th Edition, ۲۰۱۹.
۵۳. *The Statements of the Great Leadership in the Meeting of Different Sections of the People in 1989.*
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>
۵۴. *Tel Aviv University Website in Israel:*
https://english.m.tau.ac.il/profile/urirubin#anchor_cv
۵۵. *Professor Uri Rubin's Personal Website:*
۵۶. <http://www.urirubin.com/Publications>.